

چشم‌اندز عضویت ایران در بریکس و تحلیل ظرفیت‌های آن در آینده مناسبات دو طرف

فروزان مرزبانی^۱، حسین پلونده^۲

چکیده

مقاله حاضر به دنبال بررسی چشم‌انداز عضویت ایران در بریکس و تحلیل ظرفیت‌های آن در آینده مناسبات دو طرف بوده است. گروه بریکس مجموعه‌ای از اقتصادهای نوظهور شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است که برای ایجاد جهانی چندقطبی و مقابله با تک‌قطبی‌گرایی آمریکا و همچنین شکل‌گیری یک اقتصاد قدرتمند در برابر آمریکا گردآمده‌اند، ایران نیز برای قرارگیری در کنار کشورهایی که دارای یک دیدگاه مشترک و هدف یکسان با این کشور هستند، تلاش کرده و به دنبال همگرایی با این قدرت‌های اقتصادی نوظهور بوده است تا بتوانند به این اهداف یکسان دست یابند لذا در همین راستا مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که بریکس دربرگیرنده چه ظرفیت‌هایی برای عضویت احتمالی ایران در این سازمان خواهد بود؟ و برای پاسخگویی به سوال با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از نظریه موازنه نرم این فرضیه مطرح شده است که با توجه به سناریوهای آینده بریکس که به دنبال تبدیل شدن به یک قدرت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی فراتر از غرب است، عضویت احتمالی ایران در این سازمان می‌تواند ایران را در کنار این قدرت‌های برتر قرار دهد و حرکت به سوی توسعه سیاسی-اقتصادی را برای ایران فراهم کند.

واژگان کلیدی: بریکس، ایران، آمریکا، اقتصادهای نوظهور، موازنه نرم

forozanmarzbany1376@gmail.com

^۱ دانشجوی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی

^۲ دانشجوی کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی

مقدمه

پژوهش حاضر به دنبال تحلیل بریکس و روابط دوجانبه آن با ایران می‌باشد بریکس گروهی متشکل از اقتصادهای در حال توسعه جهانی است که برای رسیدن به اهداف مشترک در قالب یک گروه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که اسم این گروه برگرفته از اول اسم لاتین این کشورها می‌باشد (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی). این گروه توانسته در سال‌های گذشته خود را در عرصه جهانی بطور موثری مطرح کند به همین دلیل بسیاری از کشورهای در حال توسعه علاقه‌مند به قرارگیری در این گروه و ایجاد همگرایی با این گروه می‌باشند. ایران نیز بعنوان یک کشور در حال توسعه که همواره به دنبال قرارگیری در کنار قدرت‌هایی بوده که با آمریکا مخالف هستند و باتوجه به هدف این گروه که از بین بردن تک‌قطبی‌گرایی آمریکا است، علاقه زیادی به حضور در این گروه از خود نشان داده است هرچند در این راه با چالش‌های بسیاری مواجه است ولی با مطرح شدن بریکس پلاس راه را برای عضویت خود در این گروه هموارتر می‌بیند. عضویت در این گروه می‌تواند ایران را در مسیر توسعه به پیش ببرد و باتوجه به خروج آمریکا از برجام و بازگشت و افزایش تحریم‌ها قرارگیری در کنار کشورهایی با اقتصاد قوی و همچنین دارای اهداف مشترک که بتواند منابع مالی ایران را تامین کنند و از طرف دیگر اتحادی قدرتمند در برابر آمریکا باشند مهم تلقی می‌شود. کشورهای عضو بریکس نیز هم از لحاظ سیاسی و هم اقتصادی به اهمیت موقعیت ایران واقف می‌باشند به همین دلیل با برطرف شدن موانع و چالش‌ها با حضور ایران در این گروه موافق خواهند بود. بر این اساس مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال خواهد بود که عضویت در بریکس چه ظرفیت‌هایی را برای ایران ایجاد خواهد کرد؟ برای پاسخگویی به این سوال این محورها را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

بریکس؛ زمینه‌ها و مبانی شکل‌گیری آن، بریکس و موازنه‌گرایی، جایگاه بریکس در اقتصاد بین‌الملل، بریکس و سناریوهای آینده، ایران و سازمان‌های بین‌المللی، ظرفیت‌های بریکس برای عضویت ایران.

۱- چارچوب نظری

نظریه موازنه نرم که ریشه در واقع‌گرایی دارد یکی از نظریات مطرح شده پس از جنگ سرد در توصیف رویکرد قدرت‌های بزرگ در برابر آمریکا می‌باشد که به توازن‌طلبی از طریق ابزارهای غیرنظامی اشاره دارد در مقطع کنونی که در عرصه بین‌الملل، نظام تک‌قطبی یکجانبه‌گرا حاکم است، برقراری موازنه سخت سنتی علیه ابرقدرت‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد در چنین بستری به عقیده برخی صاحب‌نظران راهکار موجود فراروی قدرت‌های دیگر، کاربست موازنه نرم می‌باشد (رنجکش، ۱۳۹۷: ۴۸-۴۷). با پایان جنگ سرد و شکل‌گیری

نظام تک‌قطبی آمریکا و عدم شکل‌گیری حرکت‌های موازنه‌ساز بین‌المللی قدرت‌های بزرگ در قبال آمریکا، باعث شد تردیدهای جدی در خصوص کارایی موازنه قوا به وجود آید و این منجر به بازسازی موازنه قوا در قالب موازنه نرم گردید. بهترین مبنای نظری برای مفهوم موازنه نرم توسط رابرت پاپ ارائه شده است، بنابر دیدگاه پاپ، هدف از ایجاد موازنه نرم را می‌توان خنثی کردن عملکرد دولت در حال رهبری بدون مقابله مستقیم دانست (رحمانی و میری، ۱۳۹۴: ۶۸). موازنه از نظر والت به معنای هماهنگی هوشمندانه فعالیت‌های دیپلماتیک هر بازیگر برای محدودسازی و شکل دادن به نتایجی مخالف ترجیحات رقیب است. واقع‌گرایان متوجه این نکته هستند که توازن تنها راه مقابله با نظام تک‌قطبی است اما نه به شکل سنتی آن که شدید است و استدلال می‌کنند که دولت‌ها ممکن است موازنه نرم را از بین موازنه ارتجاعی و موازنه شدید انتخاب کنند در واقع موازنه نرم ترکیبی از عناصر نظریه موازنه قدرت ساختاری والتز و نظریه موازنه تهدید والت را در بردارد (رنجکش، پیشین: ۵۰).

موازنه نرم برای بازیگرانی که از نقش بین‌المللی موثری در نظام بین‌الملل برخوردارند، مهم و مطلوب به نظر می‌رسد و همچنین می‌تواند هزینه‌های نظامی کمتری را برای آنان در پی داشته باشد. از این رو گروه مشخصی از کشورها وجود دارند که در برابر اهداف و خواسته‌های دولت برتر دست به ائتلاف می‌زنند و تلاش می‌کنند تا موقعیت خود را در مقابله با اهداف قدرت برتر تثبیت کنند، موقعیت این دولت‌های موازنه دهنده بستگی به چگونگی عملکرد آنها در نظام بین‌الملل دارد. اگر آنان بتوانند کنترل منابع و کنترل حوادث را از طریق موازنه نرم تحقق بخشند به مطلوبیت‌های بیشتری در راستای منافع خود نائل می‌شوند. کاربست موازنه نرم موجب می‌شود تا موازنه دهندگان در پیگیری اهداف و منافع خود از آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشند (رحمانی و میری، پیشین: ۶۹).

این موازنه دارای دو نوع بیرونی و درونی است نوع بیرونی آنکه مدنظر ماست بر تلاش‌های دیپلماتیک در قالب نهادهای بین‌المللی برای مقابله با قدرت برتر اشاره دارد. معیار موفقیت موازنه نرم تنها حذف یک سیاست از سوی ابرقدرت نیست بلکه حضور دولت‌های بیشتر در ائتلاف موازنه‌گر علیه قدرت برتر نیز معیار خوبی برای سنجش موفقیت موازنه است (رنجکش، پیشین: ۵۰). کشورهای عضو بریکس بعنوان اقتصادهایی نوظهور که در تلاش برای قرارگیری در کنار اقتصادهای برتر دنیا بوده‌اند با مشاهده تک‌قطبی‌گرایی آمریکا به دنبال اتحاد با یکدیگر و مقابله با این کشور برآمدند و از آنجا که این کشورها به هزینه‌های موازنه سخت به خوبی آشنا بوده موازنه نرم را با هدف جابجایی قدرت اقتصادی جهان از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه و ایجاد یک اتحاد قدرتمند در برابر آمریکا و همچنین چندقطبی‌سازی جهان در پیش گرفتند

و برای افزایش معیار موفقیت خود علاقه‌مند به حضور کشورهای بیشتری در این گروه می‌باشند، ایران نیز بعنوان یک کشور که آمریکا را همواره دشمن خود تلقی کرده است و به دنبال مقابله با این کشور بوده است علاقه‌مند به قرارگیری در کنار این گروه با اهداف مشترک بوده است. این گروه به دنبال کاهش قدرت اقتصادی آمریکا بوده تا از این طریق بتواند هژمونی و قدرت این کشور را کاهش داده و کشورهای این گروه را بعنوان رقبای جدی آمریکا مطرح کرده و جهان را از تک‌قطبی بودن رهایی بخشند. و یک هدف مشترک و دشمن مشترک باعث علاقمندی ایران به قرارگیری در کنار این کشورها شده است هرچند در این راه با چالش‌هایی پیش‌روی هر دو طرف بوده است.

۲- بریکس؛ زمینه‌ها و مبانی شکل‌گیری آن

یکی از اقتصادهای نوظهور، گروه بریکس می‌باشد نام این گروه از به هم پیوستن حروف اول اسم انگلیسی کشورهای عضو این گروه (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) تشکیل شده است. ایده شکل‌گیری این گروه در سال ۲۰۰۱ توسط موسسه سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس به منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر مطرح گردید (حسینی و احمدی، ۱۳۹۵: ۵۰). هسته اصلی گروه بریکس را گروه بریک تشکیل می‌دهد. با پایان جنگ سرد و شکل‌گیری نظام تک‌قطبی آمریکا و عدم شکل‌گیری حرکت‌های موازنه‌ساز بین‌المللی قدرت‌های بزرگ در قبال آمریکا، باعث شد تردیدهای جدی در خصوص کارایی موازنه قوا به وجود آید و این منجر به بازسازی موازنه قوا در قالب موازنه نرم گردید. موازنه از نظر والت به معنای هماهنگی هوشمندانه فعالیت‌های دیپلماتیک هر بازیگر برای محدودسازی و شکل دادن به نتایجی مخالف ترجیحات رقیب است. واقع‌گرایان متوجه این نکته هستند که توازن تنها راه مقابله با نظام تک‌قطبی است اما نه به شکل سنتی آن که شدید است و استدلال می‌کنند که دولت‌ها ممکن است موازنه نرم را از بین موازنه ارتجاعی و موازنه شدید انتخاب کنند در واقع موازنه نرم ترکیبی از عناصر نظریه موازنه قدرت ساختاری والتز و نظریه موازنه تهدید والت را در بردارد (رنجکش، پیشین: ۵۰). این موازنه دارای دو نوع بیرونی و درونی است نوع بیرونی آنکه مدنظر ماست بر تلاش‌های دیپلماتیک در قالب نهادهای بین‌المللی برای مقابله با قدرت برتر اشاره دارد. که مراد از آن کشورهای روسیه، هند و چین است و در اوایل سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی و به ابتکار روسیه تشکیل شده بود (سنایی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۳: ۴).

"جیم انیل" اولین بار در سال ۲۰۰۳ نام مخفف این گروه را با نام بریک در سر تیتر یک روزنامه اقتصادی بکار برد. در اجلاس ۶۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، وزرای امور خارجه کشورهای

برزیل، روسیه، هند و چین گفتگوهای مقدماتی را آغاز کردند و بعد از این اجلاس، رهبران ارشد بریک، در چهار نشست دیپلماتیک دیگر (یکاترینبورگ، سائوپولو، توکیو و لندن) به منظور محکم ساختن پایه‌های شکل‌گیری این گروه شرکت کردند. آفریقای جنوبی نیز تلاش‌های فراوانی در سال ۲۰۱۰ به منظور عضویت در گروه بریک از خود نشان داد که سرانجام وزرای خارجه کشورهای عضو در نشست‌های ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰ در نیویورک با عضویت آفریقای جنوبی موافقت کردند. عنوان بریک پس از پیوستن آفریقای جنوبی به بریکس تغییر نام یافت (خرمشاد و سیفی، ۱۳۹۸: ۴۹).

ویژگی‌های کلیدی که بعنوان پیوند دهنده بریکس دیده می‌شود شامل جمعیت بزرگ و نسبتاً پایدار آن و پتانسیل رشد اقتصادی این کشورها می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود این گروه در صحنه بین‌المللی با رشد اقتصادی چشمگیر تبدیل به بازیگری مسلط شوند و در سال ۲۰۰۳ این پیش‌بینی‌ها خوش‌بینانه‌تر شد بگونه‌ای که پیش‌بینی می‌شد تا سال ۲۰۵۰ اقتصاد بریکس می‌تواند بزرگتر از اقتصادهای G7 باشند و در دهه‌های آینده کشورهای قدرتمندی مانند بریکس قدرت خود را در صحنه بین‌الملل اعلام خواهند کرد و ابرقدرت‌هایی مانند آمریکا به حاشیه خواهند رفت (bailes, 2010: 6).

شکل‌گیری بریکس متأثر از هم‌افزایی سه عنصر جهانی شدن اقتصاد و رشد اقتصادی این کشورها، کاستی مشروعیت در نهادهای مالی جهانی و فقدان نمایندگی موثر کشورهای در حال توسعه در آن و در نهایت یکجانبه‌گرایی و کمرنگ شدن حاکمیت چندجانبه‌گرایی بعنوان اصل مشروعیت بخش همکاری دولت‌هاست (پناهی، ۱۳۹۴: ۶). متفکران معتقدند تاسیس بریکس را باید یکی از مهم‌ترین رویدادهای ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قرن جدید و هزاره سوم برشمرد، چراکه این گروه با توجه به توانایی‌های بالقوه و بالفعل آن، به سرعت به پدیده و عامل قدرتمندی در سطح جهانی تبدیل شده است. به اعتقاد آنان، بریکس باشگاه اقتصادی همراه با گرایش‌های سیاسی و مولود دو واقعه است؛ یکی اقتصادی تحت عنوان جهانی شدن اقتصادی و دیگری استراتژیکی تحت عنوان جنگ عراق (حمله آمریکا به عراق). در واقع این دو پدیده نقشی اساسی در پیدایش بریکس ایفا کردند؛ چراکه از یک طرف جهانی شدن لزوم ایجاد و تقویت پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را سبب شد از طرف دیگر، جنگ عراق لزوم طراحی معماری نو در جهان و نظام بین‌المللی را باعث شد (سنایی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۰).

کشورهای عضو بریکس با برخورداری از رشد سریع اقتصادی و کسب جایگاه ویژه در اقتصاد بین‌الملل درصدد هستند تا به شکل تدریجی بر روند تصمیم‌گیرهای ویژه نظام بین‌الملل اثرگذار باشند و با اصلاح نهادهای مالی و سیاسی بین‌المللی، نظام جدیدی از حاکمیت بین‌المللی را طراحی کنند. کشورهای بریکس خواهان

واگذاری بخشی از قدرت آمریکا و اروپا به آنها برای همکاری بیشتر آنان در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هستند؛ بنابراین هدف اصلی بریکس تاسیس و ایجاد نظم جهانی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر، به ویژه از طریق اصلاح نهادهای مالی بین‌المللی کنونی می‌باشد (حسینی و احمدی، ۱۳۹۵: ۵۲). ایجاد نهادهای پولی و مالی جدید از دیگر اقدامات مهم قدرت‌های نوظهور است. اعضای بریکس در پنجمین اجلاس خود (سال ۲۰۱۳) در دوربان آفریقای جنوبی تصمیم گرفتند بانک توسعه جدید بریکس را ایجاد کنند. این کشورها همچنین با محوریت چین و با مشارکت ۲۲ کشور آسیایی در ۲۴ اکتبر ۲۰۱۴ بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زیرساخت را ایجاد کرده‌اند. مقر این بانک در پکن است. این بانک‌ها بعنوان نهادهای مالی و پولی میان قدرت‌های نوظهور و کشورهای در حال توسعه ایجاد شده‌اند تا ضمن تامین مالی پروژه‌های این کشورها همکاری میان اعضا را گسترش و منابع و اهداف مشترک بین آنها را تبیین کنند (موسی‌زاده و خسروی، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

اعضای بریکس بعنوان یکی از قطب‌های مطرح در جهان چندقطبی خواستار نقش‌آفرینی، کسب استقلال رأی و استقلال عمل بیشتر در جهت تامین امنیت خود در سه محور امنیت اقتصادی، امنیت غذایی و امنیت انرژی با هدف کاهش نقش کنونی غرب در قلمرو انرژی و جداکردن موضوع امنیت انرژی کشورهای عضو بریکس از قلمرو و تاثیرپذیری از غرب با تأکید بر ضرورت تعامل و توسعه همکاری‌ها در این صنعت می‌باشند. بطور کلی موفقیت آینده بریکس به عوامل زیادی بستگی دارد مهمترین بحث این است که آنها طی دهه‌های آینده به نرخ بالای رشد اقتصادی دست می‌یابند و علاوه بر این برای افزایش نفوذ در سطح بین‌المللی باید بر ثروت خود بیفزایند تا بتوانند خود را بعنوان بازیگران با اعتماد به نفس، مدرن و مسئولیت‌پذیر نشان دهند و با محقق شدن این امر عوامل موفقیت بریکسی‌ها افزایش خواهد یافت (Bailes, 2010: 138).

بریکس اولین بار در مارس ۲۰۱۱، در مدار استراتژیک غرب وارد شد؛ زمانی که این کشورها از تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت در واکنش به اقدامات سرهنگ قذافی در لیبی خوداری کردند با توجه به این امر، بریکس در اجلاس ۲۰۱۲ بر ثبات، صلح و امنیت در خاورمیانه و شمال آفریقا تأکید کرد و درباره مسائل امنیتی سوریه، افغانستان، اوکراین، فعالیت‌های اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران از خود حساسیت نشان داد و مواضع خود را در مسائل امنیتی اعلام کرد (بیزدانی و مرادی‌فر، ۱۳۹۶: ۵۲). وقتی میان قدرت برتر و دولت‌های ضعیف نظام اختلاف قدرت چشمگیری وجود داشته باشد از یک طرف دولت‌های ضعیف حاضر نمی‌شوند امنیت و حاکمیت خود را به قدرت برتر واگذار کنند و از سوی دیگر، موازنه سخت هم امکان‌پذیر نیست. در نتیجه دولت‌های ضعیف تلاش می‌کنند تا از طریق اقدامات دیپلماتیک، سیاست‌های نهادی و تلاش نظامی محدود مانع سلطه و نفوذ گسترده قدرت برتر شوند (فاطمی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۰). کشورهای عضو

بریکس نیز برای مقابله با آمریکا از سیاست موازنه نرم استفاده کرده‌اند به این دلیل که این کشورها به آمریکا وابستگی اقتصادی دارند و هزینه موازنه سخت بالاست. موازنه نرم شامل موازنه صنفی کوتاه در اتحاد رسمی است. وقتی دولت‌ها موافقت‌نامه یا تفاهم‌نامه امنیتی محدود با سایر دولت‌ها برای موازنه با تهدیدهای بالقوه قدرت‌های در حال افزایش امضا می‌کنند این موازنه اتفاق می‌افتد (یزدانی مرادی‌فر، پیشین: ۴۵).

۳- مروری بر نشست‌ها و اجلاس‌های بریکس

اولین اجلاس رسمی سران گروه بریک در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹م در یکتاترینبورگ روسیه با حضور مقام رهبران کشورهای برزیل، روسیه، هندوستان و چین برگزار شد. این نشست حاصل چندین سال مذاکره بین این کشورها از سال ۲۰۰۶م به بعد بود در این نشست رهبران کشورهای بریک هشدار دادند که باید در نظام مالی جهانی اصلاحاتی صورت گیرد تا به نظامی کارا، مطمئن و باثبات تبدیل شود هرچند این کشورها منتقد سلطه دلار آمریکایی در نظام رایج ارزی نبودند اما در این نشست نگرانی خود را نسبت به کاهش ارزش دلار ابراز کردند (سنایی و ابراهیم‌آبادی، پیشین: ۶).

۱۳

دومین اجلاس سران کشورهای گروه بریک، در شهر برزیلیای برزیل و در ۵ آوریل ۲۰۱۰ برگزار شد. در این نشست رهبران چهار کشور چین، برزیل، هند و روسیه ضمن تأکید بر اصلاح و تغییر در ساختار نظام بین‌المللی حاکم بر جهان، حمایت خویش را از ایجاد نظم جهانی دموکراتیک، منصفانه و چندجانبه مبتنی بر قوانین بین‌المللی، برابری، احترام متقابل، همکاری و تصمیم‌گیری دسته‌جمعی باشد اعلام کردند (همان، ۶). اجلاس سوم رهبران در چین برگزار شد، در این نشست که ۱۴ آوریل ۲۰۱۱م در جزیره هاینان چین برگزار شد کشورهای عضو در بیانیه‌های خود خواستار اصلاحات گسترده و اساسی در سیاست و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل شدند. رهبران بریکس علاوه بر اینکه خواستار اصلاح ساختار شورای امنیت و باز توزیع قدرت در آن از طریق عضویت اعضای جدید شدند، نسبت به رویکرد آمریکا و اروپا در قبال تحولات کشورهای عربی به ویژه دخالت ناتو در لیبی نیز موضع‌گیری کردند و با اعلام مخالفت خود با هرگونه اعمال زور اظهار داشتند که استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی هر کشور باید از طرف جامعه جهانی محترم باشد. در این اجلاس برای اولین بار رئیس‌جمهور آفریقا شرکت کرد (همان، ۷).

چهارمین نشست بریکس، ۲۹ مارس ۲۰۱۱م در دهلی نو و با موضوع "مشارکت و ثبات، امنیت و رشد" برگزار شده. این نشست از برخی لحاظ متفاوت از نشست‌های قبلی بود، چراکه قبل از برگزاری نشست سران،

کارشناسان کشورهای عضو نشست سه روزه برگزار کردند و پس از آن نشست، سران با تأسی از پیشنهادات نشست کارشناسان برگزار شد. این نشست به صدور دو سند مهم منجر شد؛ سند اول بیانیه سران و سند دوم برنامه اقدام است. بیانیه سران در ۵۰ بند مواضع گروه بریکس در دو حوزه اقتصاد و سیاست بین‌المللی را روشن می‌کند. برنامه اقدام نیز عمدتاً به راه‌اندازی جلسات کاری و مشورتی بین نهادهای تخصصی کشورهای عضو می‌پردازد. در این نشست بر سر تشکیل بانک توسعه نیز توافق شد (همان، ۸).

پنجمین اجلاس بریکس ۲۹ مارس ۲۰۱۳م در آفریقای جنوبی و در شهر دوربان برگزار شد و توجه ویژه‌ای به موضوعات توسعه و رفع فقر آفریقا داشت. توافق‌نامه همکاری مالی برای آفریقا و تلاش برای ایجاد ترتیبات تامین مالی برای طرح‌های زیربنایی در سراسر قاره آفریقا از موضوعات مهم این اجلاس بود. موضوعات مرتبط با حقوق بشر و جنسیت نیز از موضوعات مهم این اجلاس بودند که برای اولین بار به صورت رسمی مورد توجه قرار گرفتند (همان، ۹).

ششمین اجلاس بریکس در شهر فورت‌الیزا برزیل در سال ۲۰۱۴ برگزار شد در این اجلاس موضوع تشکیل نهادهای تامین اعتباری که بتوانند رقیب بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گردند مورد بحث قرار گرفت و موضوع تشکیل بانک توسعه جدید مشابه بانک جهانی و صندوق کمک فوری ۱۰۰ میلیارد دلاری برای واگذاری وام مورد بررسی قرار گرفت (www.trt.net).

هفتمین اجلاس بریکس در ۹ ژوئیه ۲۰۱۵ در روسیه برگزار شد یکی از مسائل مهم مطرح در این اجلاس نیز ایجاد بانک توسعه تا پایان سال ۲۰۱۵ بود و رئیس‌جمهور ایران (روحانی) مهمان ویژه این اجلاس بود (احمدی‌فرد، ۲۰۱۵).

هشتمین اجلاس به میزبانی هند در ۱۵ و ۱۶ اکتبر ۲۰۱۶ در شهر گوا برگزار شد در این نشست علاوه بر بررسی اقتصاد جهانی، درباره تحولات منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم رایزنی شد و همچنین در مورد روابط تجاری و اقتصادی کشورهای عضو بررسی صورت گرفت (www.mpayamaftab.com).

نهمین اجلاس گروه بریکس از ۳ تا ۵ سپتامبر ۲۰۱۷ در شهر شیامن چین برگزار شد و بر ضرورت آزادی و تجارت و نوآوری تأکید شد (www.irinn.ir). در این اجلاس طرح اولیه بریکس پلاس به منظور عضوگیری بیشتر و الحاق کشورهای قدرتمند و در حال توسعه دیگر به بریکس مورد توافق اعضا قرار گرفت در ابتدا از کشورهایمانند بنگلادش، ایران، پاکستان، نیجریه، کره جنوبی، مکزیک، ترکیه، اندونزی، فلیپین و ویتنام بعنوان اعضای که مدنظر عضویت در بریکس پلاس هستند نام برده می‌شد ولی بعدها تنها از مکزیک، تایلند، تاجیکستان و گینه برای عضویت در بریکس پلاس دعوت به عمل آمد.

دهمین اجلاس سران کشورهای عضو ائتلاف بریکس با دعوت ویژه از طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه بعنوان رئیس دوره‌ای اجلاس سازمان همکاری اسلامی در ۲۵ و ۲۷ جولای ۲۰۱۸ در شهر ژوهانسبورگ پایتخت سیاسی و تجاری آفریقای جنوبی برگزار شد. این اجلاس با موضوع "بریکس در آفریقا: همکاری برای توسعه و تقسیم رفاه در چهارمین انقلاب صنعتی" برگزار شد (www.aa.com).

یازدهمین اجلاس بریکس در برازیلیا پایتخت برزیل در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۹ برگزار شد که برزیل ریاست دوره‌ای بریکس را برعهده داشت و پیرامون توسعه همکاری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و پروژه‌هایی مشترک و همچنین بحث درباره موضوعات استراتژیک بررسی شد. در این نشست بر این امر تأکید شد که سیستم پرداخت‌های خود را جایگزین دلار کنند و از روبل استفاده نمایند.

۴- بریکس و موازنه‌گرایی

سازمان‌های بین‌المللی در عصر بعد از جنگ سرد نمادی از چندجانبه‌گرایی در مقابل یکجانبه‌گرایی در نظام تک‌قطبی تلقی می‌گردند، از این نظر در عصر موازنه نرم این سازمان‌ها بعنوان ابزاری دیده می‌شود که بوسیله آن کشورهای درجه دوم نظام در پی ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون آمریکا هستند، در نتیجه بعد از جنگ سرد مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا که برهم زننده توازن قدرت منطقه‌ای بین‌المللی است از طریق ابزار نظامی و سخت‌افزاری زمان جنگ صورت نمی‌گیرد بلکه استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز و نرم مثل ایجاد محدودیت ژئوپلیتیکی، دیپلماسی گیر انداختن یا تقویت اقتصادی به انحاء گوناگون از جمله سازمان‌های بین‌المللی بیشتر مرسوم می‌باشد (رنجکش، پیشین: ۶۸).

امروز جهان شاهد پراکندگی قدرت و چندین مدعی جدید قدرت در شرق ظهور کرده‌اند. در نتیجه، جهان کنونی بسیار کمتر از گذشته آماده پذیرش سلطه تنها یک قدرت است (فاطمی‌نژاد و دیگران، پیشین: ۶۹).

وقتی میان قدرت برتر و دولت‌های ضعیف نظام اختلاف قدرت چشمگیری وجود داشته باشد، از یک طرف دولت‌های ضعیف حاضر نمی‌شوند امنیت و حاکمیت خود را به قدرت برتر واگذار کنند و از سوی دیگر، موازنه سخت هم امکانپذیر نیست. در نتیجه دولت‌های ضعیف تلاش می‌کنند تا از طریق اقدامات دیپلماتیک، سیاست‌های نهادی و تلاش‌های نظامی محدود مانع سلطه و نفوذ گسترده قدرت برتر شوند. این قاعده در مورد بریکس نیز صدق می‌کند، این گروه بعنوان مجمعی از قدرت‌های نوظهور آسیایی با اهداف اقتصادی تشکیل شد. قدرت‌طلبی آن در حوزه‌ای که چندان موجد سیاست نمی‌گشت، زمینه‌ساز تقابل‌گرایی با رویه

موجود در نظام بین‌الملل و یکجانبه‌گرایی آمریکا گردید از این‌رو در بررسی سیاست خارجی بریکس نسبت به آمریکا سیاست تجدیدنظرطلبانه وزنه سنگین‌تری نسبت به سیاست حفظ وضع موجود دارد (همان، ۷۱). عده‌ای از نظریه‌پردازان تلاش‌های موازنه‌گرانه قدرت‌های عمده را در قالب نظریه موازنه نرم تحلیل کردند از دیدگاه این نظریه‌پردازان اگرچه در نظام بین‌الملل فعلی برقراری موازنه سخت سنتی دشوار یا حتی غیرممکن است. اما کشورها می‌توانند از طریق رویکردهای غیرنظامی و دیپلماتیک به تمدید قدرت آمریکا بپردازند. رویکردی که در قالب موازنه نرم تعریف شده و در رفتار قدرت‌های نوظهور نیز با اتکاء بر توان اقتصادی خود می‌توانند در محدودسازی قدرت آمریکا تاثیرگذار باشند: زیرا همواره از رابطه مستقیم و قابل‌توجهی میان قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل با اقتصاد برتر وجود دارد و جابجایی و تغییر در وضعیت اقتصادهای بزرگ نویدبخش جابجایی قدرت در نظام بین‌الملل است (همان، ۵۹-۵۸).

بریکسی‌ها برای ایجاد موازنه‌گرایی در نظم جهانی از قدرت نرم استفاده می‌کنند، قدرت نرم را می‌توان توانایی تاثیرگذاری بر دیگری در به دست آوردن نتایج دلخواه توضیح داد. بنابراین با استفاده از قدرت نرم یک کشور با جذب و ترغیب دیگران به اهداف خود می‌تواند به آنچه که می‌خواهد برسد. معنای "قدرت نرم" شامل توانایی رهبری است (Petrone, 2020: 10). بطورکلی قدرت‌های نوظهور بریکس، از طریق همکاری به قدرت نرم متکی هستند (Ibid, 11). هدف نهایی بریکس، یافتن راه‌حلی برای انجام تغییرات در نظام بین‌الملل باشد، امری که تاکنون بسیار به تعویق افتاده است. با وجود این، میزان موفقیت آن به عوامل گوناگونی بستگی دارد که عمدتاً به چالش‌های مربوط می‌شوند که رویای انجام تغییرات بنیادی در نظم بین‌المللی قرار دارند. با این حال رویکرد اولیه بریکس برای کشورهایمانند ایران خواستار این هستند که نظام عادلانه‌تری بر سیاست جهانی حاکم شود. جذاب به نظر می‌رسد (ثقفی عامری، ۲۰۱۳). همکاری بین اعضا بطور مستقیم علیه ایالات متحده و همچنین غرب نیست و نخواهد بود، اما آنها دنبال سهم‌گیری بیشتر از قدرت جهانی هستند، اعضای بریکس در تلاش هستند در مقابل آمریکا رفتاری متعادل و به دور از تقابل سخت داشته باشند (رحمانی و میری، پیشین: ۸۵).

۵- جایگاه بریکس در اقتصاد بین‌الملل

یکی از مشخصه‌های نظام بین‌الملل در هزاره سوم، پیدایی بازیگران جدید و طرح موضوع جابجایی قدرت جهانی بوده است. این موضوع با قدرت‌نمایی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نوظهور، در کانون توجهات و تاملات نظری سیاست جهانی قرار گرفته است، بر این اساس در شرایط گذار کنونی حاکم بر جهان، کشورها و قدرت‌های اقتصادی مطرح، هر کدام به دنبال آن هستند تا از طریق تشکیل اتحادیه و بلوک‌های سیاسی و

اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی، جایگاه خود را در نظم نوین جهانی بیش از پیش تحکیم و تقویت کنند. یکی از این تشکلهای نوظهور که در حال حاضر بیشتر جنبه اقتصادی دارد، گروه بریکس است (شیرزادی، ۱۳۹۶: ۳۸). اگرچه قدرت‌یابی کشورهای نوظهور به گسست بنیادی در نظام بین‌الملل موجود نیجامید، اما منافع و نگرش‌های متفاوت بازیگران غیرغربی بعنوان مولفه جدید بین‌المللی، می‌تواند تغییراتی را در آرایش و سرشت سیاست جهانی پدید آورد (همان، ۳۹). بریکس که در سال ۱۹۹۰ با سهمی کمتر از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان و کمتر از ۴ درصد در تجارت جهانی آغار بکار کرد، اکنون ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان و ۱۸ درصد از تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد این افزایش در تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که وسعت اقتصادی بریکس برحسب سهم آن در تولید ناخالص داخلی جهانی، ۱۵۰ درصد در دو دهه گذشته افزایش یافته است. علاوه بر این تمام کشورهای بریکس اکنون عضو نهادهای عمده بین‌المللی و چندجانبه از قبیل سازمان تجارت جهانی، سازمان ملل، گروه ۲۰ و کنوانسیون تغییر آب و هوای سازمان ملل بوده و مشارکت فعالی در آنها دارند (فاطمی‌نژاد و دیگران، پیشین: ۶۷). مجموعه کشورهای عضو بریکس از نظر وسعت، جمعیت، حجم اقتصاد و تولید ناخالص داخلی سهم قابل توجهی در سطح جهانی داشته‌اند (۴۲ درصد از نظر جمعیت، ۲۳ درصد تولید ناخالص داخلی، ۳۰ درصد قلمرو و ۱۸ درصد از تجارت جهانی، و به همین دلیل جمع شدن این کشورها در یک بلوک بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و باعث گمانه‌زنی‌هایی در مورد آینده و امکان همکاری بین آنها شده است. در زمینه اقتصادی، تقریباً شکی وجود ندارد که نظم بین‌المللی در حال تغییر است (فاطمی‌نژاد و دیگران، پیشین: ۷۹). از نظر اقتصادی تا سال ۲۰۳۰ از چهار اقتصاد اصلی جهان، سه کشور عضو بریکس خواهند بود و در حال حاضر نیز اعضای بلوک باتوجه به حجم اقتصادهای خود، این ظرفیت را دارند تا بر تحولاتهای اقتصادی جهانی تاثیرگذار باشند (همان، ۸۰).

در حال حاضر قدرت‌های نوظهور جهانی در روند مدیریت جهانی نقش محوری تری ایفا می‌کنند. اجماع آمریکا و اروپا و یا اجماع آمریکا و روسیه به تنهایی و به شکلی موثر نمی‌توانند تعیین کننده قواعد مشترک جهانی باشد. ظهور این بازیگران جدید که در حال ورود به عرصه هستند، رسیدن به اجماع در بین گروه بزرگتری از کشورها را برای تامین امنیت و حل و فصل مشکلات موجود در پیش‌روی منافع عمومی جهانی ضروری ساخته است. به نظر می‌رسد قدرت نوظهور، با تداوم رشد اقتصادی، حوزه نفوذ و قدرت چانه‌زنی و تقسیم‌سازی و بازیگری خود در نظام بین‌الملل را افزایش داده و به تدریج به مرکزی اثرگذار در سیاست و اقتصاد بین‌الملل تبدیل می‌شوند. بریکس بعنوان یک ائتلاف فراقاره‌ای، ساختاربندی جدیدی برای اقتصاد و سیاست جهانی و

تنها ائتلاف قدرتمند جهانی بدون مشارکت اروپا و آمریکا است که این ظرفیت را دارد تا صدایی قوی در مجامع و مباحث مهم اقتصادی و سیاسی بین‌المللی باشد و سیطره نظم مسلط فعلی را به چالش بکشد (همان، ۸۱).

بریکس اهداف بلندپروازنه‌ای دارد تا جائیکه به گفته آناند شارما وزیر بازرگانی هند "این گروه می‌خواهد معماری جهانی تازه‌ای ایجاد کند" (سنایی و ابراهیم‌آبادی، پیشین: ۹). در حال حاضر گروه بریکس حجمی در حدود یک سوم اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده است؛ اما یک دهه بعد و در سال ۲۰۳۰ انتظار می‌رود این گروه حجمی بالغ بر ۵۰ درصد اقتصاد جهان را به خود اختصاص دهد (www.moqavemati.net). در حال حاضر نرخ رشد اقتصادی کشورهای عضو بریکس حدود ۵ تا ۱۰ درصد است؛ اما در مقابل اقتصادهای بزرگ غربی نرخ رشدی بین ۱ تا ۳ درصدی را تجربه می‌کنند. از این رو مطابق انتظار با گذشت زمان سهم کشورهای غربی از اقتصاد جهان کاهش می‌یابد و بر سهم کشورهای عضو گروه بریکس افزوده می‌شود مجموع تولید ناخالص داخلی ۵ کشور عضو گروه بریکس بیش از ۱۸ هزار و ۶۰۰ میلیارد دلار است (Ibid). پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی بریکس در سال ۲۰۳۰ ۴٫۵ درصد باشد بسیار بیشتر از هر بلوک اقتصادهای توسعه یافته یا حتی سایر اقتصادهای نوظهور، در نتیجه سهم پیش‌بینی شده بریکس از تولید ناخالص ملی جهانی به ۳۷٫۷ درصد افزایش می‌یابد.

۱۸

اقتصاد عامل مهمی در تغییر ابر قدرت‌ها می‌باشد، اعضای بریکس با تاسیس یک بانک توسعه اقتصادی توانسته‌اند آشکارا بعنوان قدرت نوظهور اقتصادی رقیبی برای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تلقی شوند. بریکس درصدد تغییر ساختارهای فرسوده مالی در جهان است. این اقدام نخستین گام در جهت رفع سلطه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بر نظام مالی موجود بود که اغلب تحت نفوذ ایالات متحده و متحدینش قرار داشت (جعفری و فلاح، ۱۳۹۷: ۶۷). موسسات مالی بریکس را می‌توان بیشتر بعنوان تلاشی برای یافتن راه‌های جدید و همچنین فرار از محدودیت‌ها و موانعی که موسسات برتون‌وودز بر آنها تحمیل کرده‌اند در نظر گرفت، آنها به دنبال راه‌های جدیدی برای پیش‌بینی قدرت رو به رشد اقتصادی خود به دور از هدایت غربی‌ها می‌باشند (Petroni, Ibid: 8). بریکس با تغییر مثبت در جایگاه خود در اقتصاد جهانی به دنبال افزایش قدرت و نفوذ در جهان می‌باشد و اقتصاد عاملی مهم برای کشورهای این گروه در به دست آوردن قدرت نفوذ و برتری تلقی می‌شود.

۶- بریکس و سناریوهای آینده

پیدایش قدرت‌های نوظهور یکی از مشخصه‌های مهم چشم‌انداز نظام بین‌الملل معاصر است. اگرچه اقتصاد تنها مولفه قدرت‌یابی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نبوده است، اما در پیدایی و نقش‌آفرینی قدرت‌های در حال ظهور نقش شاخص برعهده داشته است (سلیمان‌پور و مولایی، ۱۳۹۲: ۱۸). رشد اقتصاد و افزایش سهم این قدرت‌ها از صادرات و واردات جهانی، آنها را به رده ده اقتصاد برتر جهان ارتقاء بخشیده است، بنحویکه اینک در ادبیات اقتصاد جهانی، از بریکس بعنوان گروه‌بندی اقتصادی دوم جهانی در برابر گروه هفت کشور صنعتی جهان غرب، سخن رانده می‌شود (جعفری و فلاح، ۱۳۹۷: ۱۸). بریکس برای ایفای نقش موثرتر در عرصه بین‌المللی، همچنین خواهان اصلاح نهادهای بین‌المللی موثر در ترسیم نظام مالی حاکم بر جهان کنونی است در واقع، یکی از نکات اساسی که کشورهای بریکس را نزدیک همدیگر نگه داشته است عبارت از این است که علیرغم اینکه هریک به تنهایی کشوری در ابعاد تاثیرگذاری منطقه‌ای‌اند، اما می‌خواهند چشم‌اندازی جهانی برای خود ترسیم کنند. لذا، در بخشی از درخواست‌های خود، خواهان واگذاری بخشی از قدرت آمریکا و اروپا به کشورهای بریکس برای همکاری بیشتر آنان در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. آمریکا و اروپا نیز با علم به اینکه هرگونه اصلاح و تغییری در نهادهای بین‌المللی بدون مشارکت موثر میان اعضای موسس و اعضای در حال ظهور نهادهای بین‌المللی ممکن نخواهد بود و بنحوی متقاعد شده‌اند که باید بخشی از قدرت‌شان را برای همکاری بیشتر در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشورهای بریکس انتقال بدهند (سنایی و ابراهیم‌آبادی، پیشین: ۱۸). در این راستا بریکس به دنبال ایجاد تغییرات در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است که بتواند قدرت آمریکا و کشورهای اروپایی را در این سازمان‌ها کاهش داده و به قدرت خود بیفزاید و این قدرت‌های نوظهور به دنبال ایجاد بانک توسعه مشترک بوده‌اند. و به دنبال شکل‌دهی جدید به سیستم اقتصادی و سیاسی جهانی هستند. برخی از ویژگی‌های این گروه که باعث شده از سوی دیگر کشورها، گروهی تعیین‌کننده در مسائل جهانی مدرن توجه به حساب آید عبارت‌اند از مساحت سرزمین، جمعیت بالا، ارزش بالای تولید ناخالص ملی و رشد مناسب آن در سال‌های اخیر، برخورداری از قدرت اتمی کشورهای چین، روسیه و هند، همچنین برخورداری از حق وتوی دو کشور چین و روسیه بعنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد این مشخصه‌ها باعث شده است که آینده گروه و اهداف آنان، نظر بسیاری از کشورهای جهان را به خود جلب کند. از این‌رو، این تصور وجود دارد که گروه توانایی رهبری و دفاع از موقعیت اقتصادی و مالی کشورهای ضعیف‌تر را در آینده خواهد داشت (همان، ۲۹).

چین در راستای تقویت نهادگرایی درون بریکس و ایفای نقش کلیدی این نهادها همکاری در مکانیسم‌های سیاسی و اقتصادی بین‌الملل و ایجاد یک مرکز جدید قدرتمند از همکاری‌های بین‌المللی در آینده در جهت ایجاد دو نهاد جدید در درون بریکس در کنار سایر اعضا گام برداشته است که از جمله آنها بانک جدید توسعه و صندوق ذخیره پولی هستند، چین در کنار سایر کشورهای عضو از موسسان اصلی دو نهاد مذکور بود که بیشترین سهم را دارد، در نهایت باید اذعان داشت چین و روسیه بعنوان قدرت‌های مهم عرصه روابط بین‌الملل که در بریکس از جایگاه برتری نسبت به سایر اعضا برخوردارند، تمایل دارند از این نهاد همکاری بین‌قاره‌ای برای دستیابی به اهداف خود و تغییر نظام بین‌الملل به سمت یک نظام چندجانبه و دموکرات که قدرت‌های دیگر نیز بتوانند حضور و ایفای نقش کنند، استفاده نمایند که این امر باعث کاهش قدرت آمریکا و افزایش قدرت بریکس خواهد شد (رحمانی و میری، پیشین: ۸۷). وزیر اقتصاد روسیه (۱۳ نوامبر ۲۰۱۹) مهمترین برنامه گروه در طول سال‌های آتی را کاهش محدودیت‌های تجاری و تلاش برای تبدیل شدن به یک الگو برای دیگر کشورهای جهان عنوان کرده است. کشورهای گروه بریکس در راستای تسهیل تبادلات تجاری، در طول سال‌های اخیر اقدامات گسترده‌ای را برای کاهش وابستگی به نظام مالی و بانکی کنونی حاکم بر جهان در دستور کار قرار داده‌اند. ایجاد سیستم پرداخت مستقل، افزایش سهم ارزش‌های ملی از تجارت و ایجاد یک کانال مستقل تبادل اطلاعات از جمله مهمترین برنامه‌های بریکس در این زمینه بوده است. علاوه بر این، گروه بریکس قصد دارد یک پلتفرم پرداخت پول، همانند آنچه از سوی شرکت‌های اپل و سامسونگ مورد استفاده است، راه‌اندازی نماید (www.moqavemati.net).

با وجود همگی این مورد به بررسی ۴ سناریو برای توسعه هرچه بیشتر بریکس در آینده خواهیم پرداخت.

- ۱) بریکس و مدیریت اقتصاد جهانی؛
- ۲) تبدیل شدن بریکس به یک هژمونی؛
- ۳) بریکس ظهور یک قدرت مدنی فراتر از اتحادیه اروپا؛
- ۴) ادامه وضعیت موجود و ساختاری شبه شانگ‌های.

۱) سناریو اول

کشورهای عضو بریکس برای تحقق این سناریو دو راهکار پیش رو دارند: ۱- حذف دلار از معاملات (در ابتدا معاملات میان کشورهای عضو بریکس و سپس در سطح جهانی)؛ ۲- اصلاح ساختاری در روند تصمیم‌گیری و اداره سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و جایگزینی و مطرح کردن نهادهای اقتصادی بریکس مانند بانک توسعه بریکس در تصمیمات جهانی.

دلار آمریکا به لحاظ ویژگی‌هایی که دارد، شبیه‌ترین ارز به یک ارز واقعی در جهان است که تاکنون در اقتصاد جهانی مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه بیش از ۶۰ درصد از ذخایر ارز خارجی کشورهای جهان در کشور آمریکا قرار دارد. اما در آینده تغییرات بزرگی اتفاق خواهد افتاد. در حال حاضر برخی از بزرگترین اقتصادهای جهان با یکدیگر متحد شده‌اند تا از بکار بردن دلار آمریکا در تجارت بین‌المللی جلوگیری کنند. همچنین برخی از کشورهای تولیدکننده نفت نیز شروع به فروش نفت خود به وسیله ارزهای دیگر (ارزهای ملی) به غیر از دلار آمریکا کرده‌اند که تهدیدی بزرگ برای سیستم پترودلاری است که نزدیک به چهار دهه از آن به نفع دلار استفاده شده است. بسیاری از اقدامات انجام شده علیه دلار توسط کشور چین صورت گرفته است. طی چندین سال گذشته، چین و سایر قدرت‌های در حال ظهور مانند روسیه به تدریج موافقت کرده‌اند تا دلار آمریکا را در تجارت بین‌المللی کنار بگذارند. کشورهای عضو بریکس نیز در نشست یازدهم خود به این امر تأکید کرده و طرح جایگزینی روبل به جای دلار در تجارت خود را مطرح کرده‌اند تا از این طریق از قدرت اقتصادی آمریکا در بازارهای جهانی کاسته شود.

بریکس تأکید دارد که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی باید کمبود مشروعیت خود را سریع برطرف کنند. در واقع، اصلاح ساختاری این دو نهاد، موجب سیر اساسی در قدرت رأی‌گیری به نفع اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه می‌شود. از طرفی، مشارکت اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه در تصمیم‌گیری بانک جهانی و صندوق بین‌المللی باید مطابق وزن نسبی این اقتصادها در جهان باشد همچنین به روش انتخاباتی باز و شایسته، صرف‌نظر از ملیت برای موقعیت‌هایی مانند ریاست در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیاز هست؛ چراکه بطور سنتی، ریاست صندوق بین‌المللی پول همواره به یک اروپایی و ریاست بانک جهانی با یک آمریکایی بوده است (یزادانی و مرادی‌فر، پیشین: ۵۱). اما اگر اصلاحات گفته شده انجام پذیرد از قدرت اقتصادی آمریکا در جامعه جهانی کاسته شده و به همین میزان بر قدرت گروه بریکس با توجه به اینکه سهم زیادی از اقتصاد جهان را در اختیار دارد افزوده خواهد شد به این ترتیب گروه بریکس و کشورهای عضو آن می‌توانند مدیریت اقتصادی جامعه جهانی را در اختیار بگیرند و بریکس خود را بعنوان سازمانی رقیب برای صندوق و بانک جهانی مطرح خواهد کرد.

۲) سناریو دوم

بریکس به دنبال ایجاد یک هژمونی چند بعدی است (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) تا از این طریق بتواند به یک قدرتی که توانایی رهبری جهان را داراست تبدیل گردد. در اینجا می‌توان بریکس را با شانگ‌های مقایسه نمود زیرا به نظر می‌رسد که شانگ‌های نیز با استفاده از موازنه نرم به دنبال تبدیل شدن به یک هژمونی برتر

است اما باید گفت که شانگ‌های علی‌رغم تلاش‌هایی که داشته اعضای چندان قدرتمندی غیر از روسیه و چین در آن شریک نبوده‌اند، اما در بریکس علاوه بر چین و روسیه که دارای حق وتو در شورای امنیت هستند و بعنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی شناخته می‌شوند. کشورهای برزیل، آفریقای جنوبی و هند نیز در این سازمان حضور دارند که هرکدام از این کشورها به دنبال حق وتو و افزایش قدرت خود در شورای امنیت هستند و از طرف دیگر می‌توان این کشورها را در زمره کشورهای در حال توسعه‌ای دانست که راه موفقیت و توسعه را به درستی انتخاب کرده و به دنبال امتیازات ویژه در آینده نهادها و سازمان‌های بین‌المللی هستند و همین موارد است که بریکس را از شانگ‌های متفاوت نموده و شرایط را برای تبدیل شدن این سازمان به یک قدرت و هژمونی برتر فراهم می‌کند.

۳) سناریو سوم

اتحادیه اروپا بعد از ج ج دوم توانست خود را بعنوان یک قدرت مدنی که به دور از هرگونه جنگ و درگیری و نظامیگری است مطرح کند و همواره خود را بعنوان قدرتی که با استفاده از الگوهای اقتصادی و سیاسی به دنبال تأثیرگذاری بر جهان است مطرح می‌کند و همین فقدان عنصر نظامیگری این سازمان را بعنوان یک نهاد مدنی معرفی کرده است. می‌توانیم بگوییم بریکس نیز با مطرح کردن موازنه نرم و تأکید بر چندجانبه‌گرایی به جای یکجانبه‌گرایی به دنبال ایجاد نهادی مدنی فراتر از اتحادیه اروپا است. بریکس به دنبال چندجانبه‌گرایی است نه قدرت یک کشور به تنهایی و معتقدند که تمامی کشورهای که از وضع موجود ناراضی هستند می‌توانند با استفاده از موازنه نرم به جای موازنه قوا به بریکس بپیوندند و این سازمان می‌تواند با عضویت تمامی کشورها از سراسر جهان بر این مدنیت خود بیفزاید و بریکس را فراتر از اتحادیه اروپا مطرح کند.

۴) سناریو چهارم

در سه سناریو گفته شده بر جنبه‌های مثبت سازمان بریکس در آینده اشاره شد اما در این سناریو می‌خواهیم به معضلات و چالش‌های بریکس اشاره کنیم که اگر این چالش‌ها برطرف نگردد و منجر به این خواهد شد که هیچکدام از سناریوهای مثبتی که برای این سازمان پیش‌بینی شده رخ ندهد. چالش‌ها و موانع فراروی بریکس وجود دارد از جمله وابستگی به آمریکا، برخی از اعضای بریکس به خصوص کشورهای برزیل، آفریقای جنوبی و هند به شدت به آمریکا وابسته هستند و این باعث می‌گردد که این کشورها برای دستیابی به منافع خود که در راستای وابستگی به آمریکا به دست می‌آید با چندجانبه‌گرایی و موازنه نرم در راستای مخالفت با آمریکا است همراهی نکنند و بریکس را در قالب یک سازمان با رویکردهایی که چندان مخالف آمریکا نباشد

بپذیرند. از دیگر چالش‌ها می‌توان به فقدان توان درگیر شدن با قدرتهای غربی و فقدان ظرفیت لازم برای پذیرش اعضای جدید توسط بریکس اشاره کرد که باعث کاهش قدرت این سازمان خواهد شد و باعث می‌گردد این سازمان ظرفیت لازم برای تحقق یک قطب قدرت سیاسی-اقتصادی در آینده را نداشته باشد و مسیری شبه شانگ‌های در قالب موازنه نرم طی کند.

۷- ایران و سازمان‌های بین‌المللی

امروزه جهانی شدن سبب باز شدن اقتصادهای ملی در ابعاد داخلی و خارجی شده و ضمن بین‌المللی نمودن بازار جهانی محیطی کاملاً رقابتی ایجاد نموده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد مجال بقا خواهند داشت. یکی از ویژگی‌های جهانی شدن همگرایی اقتصادی، ادغام و یکپارچگی تجارت جهانی در قالب سازمان‌های بین‌المللی و حرکت کشورها در جهت رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران یک قدرت منطقه‌ای در جنوب غربی آسیاست و جایگاه مهمی را به دلیل در اختیار داشتن منابع انرژی نفت و گاز و صنعت پتروشیمی دارد و از طرفی خطوط مواصلاتی بین‌المللی در شرق و جنوب شرق آسیا و اروپا توسط ایران فراهم می‌باشد. بنابراین به شکل گسترده مورد توجه اقتصادهای بزرگ جهان قرار گرفته است و باتوجه به این شرایط حضور فعال در مجامع و سازمان‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و جهانی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (حسینی و احمدی، پیشین: ۵۱). در ایران هموارن نسبت به حضور در سازمان‌های بین‌المللی (سیاسی، نظامی، اقتصادی) در دوران‌های مختلف متناسب با اینکه چه دولتی با چه اصول و رویکردهایی بر سر کار باشد، دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته است و گروهی حضور در این سازمان‌ها را نفی کرده زیرا این سازمان‌ها را ساخته و پرداخته غرب دانسته و معتقدند که این سازمان‌ها به دنبال افزایش هرچه بیشتر قدرت‌های برتر جهانی هستند نه کمک به کشورهای کمتر توسعه یافته و ضعیف، اما بخشی دیگر از دولت‌هایی که بر سرکار آمده‌اند مانند دولت آقای روحانی به دنبال عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و افزایش قدرت سیاست خارجی ایران از این طریق بوده‌اند، مسئله عضویت ایران در شانگ‌های و بریکس نیز در این دولت به صورت جدی پیگیری شده است.

برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران که آمادگی ورود ناگهانی به تجارت آزاد را ندارند، منطقه‌گرایی می‌تواند موثرترین راه برای گشودن تدریجی اقتصادهای ملی این کشورها و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد (شیرزادی، ۱۳۹۶: ۴۷). ایران با خاستگاه تمدنی چند هزار ساله، حضور در محل تلاقی شرق به غرب و در نزدیکی اتصال سه قاره، مرزهای آبی و خاکی با ۱۵ کشور، اتصال‌دهنده دو مرکز عمده انرژی جهان در قرن

۲۱، مالک ۱۰ درصد منابع نفتی و ۱۷ درصد منابع گازی دنیا، پیوند دهنده سازمان‌های منطقه‌ای چون Eu، PGCC، SARC، ASEAN، CTS موقعیت بعنوان کریدور شرق به غرب و کریدور شمال به جنوب، و حضور در مجاورت مرزهای چهار قدرت قرن بیست و یکم شامل اتحادیه اروپا، روسیه، چین و هند در هیچ سازمان سیاسی و نظامی مهمی حضور دارند چنین وضعیتی با هیچیک از مولفه‌های تاریخی، سیاسی و اقتصادی و به ویژه ژئوپلیتیک بی‌همتای ایران تطبیق نمی‌کند. به همین دلیل ایران برای خروج از این وضعیت و شکستن خطوط طبیعی و مصنوعی ترسیم شده در اطراف خود، بسیار تمایل دارد و آن را یک تصمیم راهبردی تلقی می‌کنند که در سازمان‌ها و رژیم‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حضور یابد. این تمایل زمانی تشدید می‌شود که ایران بتواند در سازمانی عضویت یابد که فلسفه شکل‌گیری و اعضای آن در راستای ائتلاف غرب نباشد. ایران به دنبال ایجاد روابط نزدیک‌تر با کشورهای مانند روسیه، چین و هند است که برای منافع این کشور در آسیای مرکزی حیاتی هستند و می‌توانند در آینده تامین کننده بالقوه امنیت برای ایران باشند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸۴-۱۸۵).

سازمان همکاری شانگ‌های باتوجه به این ملاحظات در پی تحولات سیاست خارجی ایران بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به شدت مورد توجه ایران قرار گرفته است. ایران در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر این سازمان پذیرفته شد ایران قصد دارد از طریق عضویت در این سازمان و استفاده از ظرفیت‌های سازمان به برخی از اهداف راهبردی سیاست خارجی خویش دست یابد. اما با وجود تلاش‌های ایران و حمایت ضمنی روسیه، عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگ‌های با مخالفت‌هایی به ویژه از سوی چین روبروست. چراکه چین اعتقاد دارد حضور ایران در این سازمان موجب تحریک آمریکا می‌گردد و این در شرایطی است که اصولاً سازمان همکاری شانگ‌های در تضاد با هیچ کشوری، مشخصاً ایالات متحده تشکیل نشده است (همان، ۱۸۶). از دیگر سازمان‌های اقتصادی که ایران تمایل به عضویت در آن را دارد بریکس می‌باشد. ایران از ظرفیت‌های قابل توجهی برای عضویت در گروه کشورهای بریکس برخوردار است. ایران علاوه بر نفوذ ژئوپلیتیک قابل توجه خود به رغم تحریم‌های هولناکی که غرب علیه آن وضع کرده است. دارای اقتصادی در حال رشد و گسترش می‌باشد و این نشان می‌دهد که این کشور تا چه اندازه برای تبدیل شدن به یک اقتصاد پیشرو در آینده مصمم است. هرچند که ایران تا به امروز موفق به عضویت در هیچ یک از این سازمان‌ها نشده است اما همواره به دنبال برطرف کردن چالش‌ها و موانع عضویت خود در این دو سازمان بوده که بتواند در کنار اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه کشورهای عضو بریکس و شانگ‌های قرار گیرد.

۸- ظرفیت‌های بریکس برای عضویت ایران

با وجود تمام چالش‌ها و اختلافاتی که در درون بریکس و همچنین برای عضویت ایران وجود دارد اما اگر این امر رخ داده و ایران بتواند به عضویت این گروه درآید بی‌شک منافع هر دو طرف تامین خواهد شد. هرچند در این سال‌ها بریکس از هدف اصلی خود یعنی مقابله با آمریکا تاحدی دور بوده است اما توانسته در حوزه اقتصادی خودی نشان داده و موفقیت‌هایی کسب نماید. جمهوری اسلامی ایران نیز زمینه مساعدی را برای تامین منافع ملی خود فراهم می‌بیند. در همه سازمان‌های اقتصادی جهان به نوعی آمریکایی‌ها حضور دارند و در آن اعمال نفوذ می‌کنند و می‌توان گفت بریکس به دنبال نظام چندقطبی جهانی و به نوعی چندقطبی نه از نظر امنیتی بلکه از نظر اقتصادی، امنیتی، سیاسی و فرهنگی است (www.peace-ipsc.org). می‌توانیم بگوییم که با عضویت ایران در بریکس اقتصاد این کشور تقویت شود و نقش‌آفرینی خود را در حوزه‌های مختلف باتوجه به سناریوهای آینده بریکس افزایش دهد.

همانطور که در بخش چهارم مقاله گفته شد برای آینده بریکس ۴ سناریو متصور شده است که براساس همین سناریوها می‌توان بررسی کرد که عضویت ایران در این سازمان چه ظرفیت‌هایی را برای ایران در آینده ایجاد خواهد کرد. باتوجه به سناریو اول اگر بریکس بتواند به یک قدرت برتر اقتصادی در جهان تبدیل گردد با عضویت ایران در این سازمان ایران می‌تواند جایگاه موثری در بریکس و آینده مدیریت اقتصادی جهان داشته باشد و از طرف دیگر چون این سناریو به دنبال کاهش ارزش دلار می‌باشد اگر این امر ممکن گردد و ایران بتواند واردات خود را از طریق ارزی غیر از دلار تأمین نماید مشکلات اقتصادی و تجاری که برای ایران از طریق تحریم‌ها ایجاد شده است کاهش خواهد یافت و ایران می‌تواند به کمک متحدان خود تاثیرات تحریم‌ها بر اقتصاد را به حداقل کاهش دهد.

براساس سناریو دوم و با تبدیل شدن بریکس به یک هژمونی برتر جهانی که به دنبال معرفی کردن خود در تمامی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سطح جهان می‌باشد و از طرف دیگر اعضای قدرتمندی همچون چین و روسیه در آن حضور دارند که در شورای امنیت حق وتو برخوردارند و دیگر اعضای اصلی بریکس نیز به دنبال گرفتن حق وتو و افزایش قدرت خود در سطح بین‌المللی می‌باشند ایران می‌تواند با قرارگیری در کنار این کشورها هم از طرفی به هدف خود که مخالفت با آمریکا و حذف یکجانبه‌گرایی این کشور است دست یابد و از طرف دیگر نیز با حضور در سازمانی که یک هژمونی برتر خواهد بود خود را بعنوان یکی از بازیگران اصلی و قدرتمند مطرح نماید.

سناریو سوم و چندجانبه‌گرایی بریکس و تأکید بر این امر که یکجانبه‌گرایی باعث کاهش قدرت سایر بازیگران و تنها رشد یک قطب می‌شود و برای از بین بردن این تک قطبی‌گرایی آمریکا از طریق موازنه نرم باعث هم‌سو شدن اهداف ایران با این گروه شده است، موردی که ایران همواره بعد از انقلاب بر آن تأکید نموده است و آن هم کاهش قدرت آمریکا بوده است هرچند شاید در این راه از موازنه تهدید استفاده کرده است ولی بریکس با هدف تبدیل شدن به یک قدرت مدنی فراتر از اتحادیه اروپا بر موازنه نرم تأکید می‌کند، ایران نیز می‌تواند با هم‌سو شدن با موازنه نرم بریکس، در این راه مبارزه غیرمستقیم با آمریکا محتمل زیان کمتری شود که ممکن است از طریق موازنه تهدید برای آن ایجاد گردد. و از طرف دیگر نیز ایران برای مخالفت و کاهش قدرت آمریکا تنها نخواهد بود و گروهی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را همراه خود خواهد داشت.

در هنگام بررسی سناریوهای آینده یک سازمان یا یک کشور و ... همچنان که سناریوهای مثبت در نظر گرفته می‌شود باید به سناریوهای منفی که باتوجه به شرایط کنونی که آن سازمان در آن قرار دارد نیز توجه گردد. بریکس نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد و باتوجه به عواملی که در حال حاضر در این سازمان وجود دارد از اتکای اعضای آن به غرب تا عدم وجود سیاست‌های هماهنگ ممکن است این سازمان نیز مانند شانگ‌های نتواند رویکرد مثبتی در مقابله با آمریکا در پیش گیرد و اهداف این سازمان نیز فقط بر روی کاغذ بماند که در این صورت امیدی برای عضویت ایران باتوجه به نبود شرایط مناسب در این سازمان برای عضوگیری، وجود نخواهد داشت.

ذکر این نکته ضروری است که سه سناریو مثبت و یک سناریو منفی برای بریکس باتوجه به شرایط می‌توان پیش‌بینی کرد پس ایران می‌تواند با رفع موانعی که از طرف کشور برای عضویت وجود دارد به شکل‌گیری سناریوهای مثبت و عضویت در این سازمان امیدوار باشد.

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد با تمرکز بر نظریه موازنه نرم به بررسی چشم‌انداز عضویت ایران در گروه بریکس و آینده همکاری‌های دو طرف پرداخته شود. همانگونه که اشاره شد یکی از راه‌های رسیدن به اهداف و منافع کشورها، حضور در سازمان‌های بین‌المللی و قرار گرفتن در کنار کشورهایی است که دارای اهداف مشترک می‌باشند. ایران نیز بعنوان کشوری که با اعضای گروه بریکس دارای اهداف مشترک می‌باشد به دنبال عضویت در این گروه است که اعضای آن را مجموعه‌ای از اقتصادهای نوظهور تشکیل می‌دهند.

اعضای بریکس مجموعه‌ای از کشورهایی هستند که با اهداف سیاسی و اقتصادی گرد آمده‌اند و جهت مخالفت‌های خود را به سمت آمریکا و کشورهای اروپایی گرفته‌اند تا بتوانند جهان را از تک‌قطبی بودن رهایی بخشند. ایران نیز همواره به دنبال همگرایی و قرارگیری در کنار کشورهای هم‌پیمان خود همچون روسیه و چین برای ایجاد اتحادی قدرتمند در برابر آمریکا بوده است هرچند در این راه و عضویت در گروه بریکس با چالش‌ها و موانعی همراه بوده است. اما با برطرف شدن این موانع از سوی هر دو طرف قطعاً هر دو طرف از امتیازات و منافع آن بهره‌مند خواهند شد، اقتصاد ایران می‌تواند خود را از تک‌محصولی بودن رهایی بخشد و به نوآوری دست یابد، کشورهای عضو بریکس نیز با کمک به ایران برای رفع تحریم‌های اقتصادی آمریکا،^{۳۷} بیش از پیش خواهند توانست بر بازارهای ایران تاثیرگذار بوده و چه از لحاظ انرژی و چه از لحاظ دیگر کالاها، بازار ایران را در اختیار خود قرار داده و به سود بیشتری دست یابند.

این سازمان بعنوان یک سازمان موازنه‌ساز تا حدودی توانسته برای رسیدن به اهداف خود به افزایش هزینه‌های سیستم تک‌قطبی بیفزاید اما در پایان پیشنهاداتی برای از رفع چالش‌های داخلی بریکس و همچنین چالش‌های پیش‌روی ایران برای عضویت مطرح می‌گردد که به پیشبرد اهداف و بهره‌گیری هر دو طرف از منافع کمک نماید.

(۱) توجه کشورهای عضو بریکس به توسعه سیاسی و فرهنگی در کنار توسعه اقتصادی؛

(۲) استفاده از سیستم پرداخت‌های بریکس (روبل) به جای دلار و کاهش ارتباط اقتصادی با آمریکا به حداقل ممکن؛

(۳) ایجاد یک ضمانت اجرای معتبر که تغییرات داخلی در کشورهای عضو موجب تغییر رویکرد این کشورها نسبت به این سازمان نگردد؛

(۴) افزایش تلاش ایران برای قرارگیری در کنار اقتصادهای با رشد پرشتاب مانند برزیل، روسیه، هند و چین به منظور ارتباطات تجاری و مالی با این کشورها.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- بی‌نا (۱۳۹۶)، «ادامه نشست گروه بریکس در شیامن چین» <http://www.irinn.irfa.news/520121>
- ۲- بی‌نا (۱۳۹۵)، «هشتمین نشست سران بریکس در هند» <http://mpayanaftab.com>
- ۳- بی‌نا (۱۳۹۷)، «دهمین اجلاس سران بریکس؛ فرصتی برای ترکیه» <http://www.aa.com.tr/fa/121241>
- ۴- بی‌نا (۱۳۹۳)، «اجلاس بریکس در برزیل» www.trt.net.tr/persian/qtsd
- ۵- پناهی، حسن (۱۳۹۴)، «جایگاه بریکس در ساختار توزیع قدرت در نظام نوین اقتصاد سیاسی جهانی (۲۰۱۴-۲۰۰۱) با نگاهی به امکان‌سنجی عضویت ایران در بریکس موانع، راهبردها و مزایا»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶- جعفری، علی اکبر و فلاح، مهرداد (۱۳۹۷)، «قدرت اقتصادی بریکس و بدیل برای اقتصاد لیبرال غرب»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸.
- حسینی، سیدشمس‌الدین و احمدی، حسین (۱۳۹۵)، «فرصت‌ها و تهدیدهای گسترش گروه بریکس برای امنیت اقتصادی ج.ا.ایران و راهبرد مناسب در قبال آن»، فصلنامه اقتصاد دفاع، س ۱، ش ۲.
- ۷- خرمشاد، محمدباقر و سیفی، عبدالرضا (۱۳۹۸)، «بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۴۰.
- ۸- رحمانی، منصور و میری، احسان (۱۳۹۴)، «تاثیر مولفه‌های موازنه نرم چین و روسیه بر هژمونی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۹۲.
- ۹- رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۷)، «جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در سازوکار موازنه نرم عصر پسا جنگ سرد»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۸، ش ۳۰.
- ۱۰- سلیمان‌پور، زهرا و مولایی، عبدالله (۱۳۹۲)، «قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل»، فصلنامه روابط خارجی، س ۵، ش ۱.
- ۱۱- سنایی، مهدی و ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۹۲)، «سازمان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور (بریکس) اهداف، توانمندی‌ها و جایگاه آن در نظام بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات سیاسی اجتماعی جهان، دوره ۳، ش ۱.
- ۱۲- شیرزادی، رضا (۱۳۹۶)، «کشورهای نوظهور و ساختار اقتصاد سیاسی بین‌الملل؛ (برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی)»، فصلنامه سیاست، ش ۱۶.
- ۱۳- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی رویکرد راهبردی چین، روسیه، آمریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری شانگ‌های»، فصلنامه راهبرد، س ۲۰، ش ۶۰.

- ۱۴- عطاللهی، حسین (۱۳۹۶)، «۱۰ اقدام کشورهای جهان برای حذف دلار و استفاده از پول ملی در تجارت»
<http://moqavaemat.net/25383>
- ۱۵- فاطمی‌نژاد، سیداحمد و دیگران (۱۳۹۴)، «سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور نسبت به آمریکا؛ همراهی یا موازنه‌گری؟ (مطالعه موردی بریکس)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۲۳.
- ۱۶- موسی‌زاده، رضا و خسروی، بهنام (۱۳۹۴)، «بریکس و نهادسازی بین‌المللی»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۹، ش ۴۰.
- ۱۷- مومنی، میرقاسم (۱۳۹۴)، «آینده افزایش همکاری در سازمان بریکس و نگاه به عضویت ایران» - <http://peace-ipsc.org>
- ۱۸- یزدانی، عنایت‌اله و مرادی‌فر، سعیده (۱۳۹۶)، «تبیین تاثیر و نقش بریکس بر نظم جدید جهانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۱.

لاتین:

- 19- alyson,bailes (2010). The brics and international relations: an assessment of the potential leaders in a global future, Oddur ingi nyborg stefansson.
- 20- petrone francesco (2020). Theree ways to explore the brics(possible) impact on the future globlal order, Journal of politics and development.volume10.number2.pp1-20.
- 21- brics brasil2019 (2019). what is brics. <http://brics2019.itamaraty.gov.br/en/about-brics>.